

## بسمه تعالی

### بررسی عناصر و مولفه‌های سیاست خارجی مدل حکمرانی مقاومت در روابط بین‌الملل

سید محمد ساداتی نژاد<sup>۱</sup>

سید علی ساداتی نژاد<sup>۲</sup>

#### چکیده

این مقاله در پی شناخت عناصر و مولفه‌های سیاست خارجی مدل حکمرانی مقاومت به عنوان یک مدل حکمرانی رقیب در مقابل مدل حکمرانی سکولار لیبرال موجود به عنوان مدل حکمرانی غالب در روابط بین‌الملل می‌باشد. بدین‌سان، پرسش اصلی مقاله این است که عناصر و مولفه‌های سیاست خارجی حکمرانی مقاومت در روابط بین‌الملل کدام‌اند؟ پس از بررسی مشخص شد که سیاست خارجی مدل حکمرانی مقاومت دارای دو دسته مولفه سلبی و ایجابی است. در بعد سلبی سیاست خارجی مدل حکمرانی مقاومت، اصولی چون نفی سلطه و استکبار، نفی توسعه‌طلبی و تجاوزگری، نفی تفرقه و اختلاف و نفی سکولاریسم قرار دارد و در بعد ایجابی نیز اصولی چون حمایت از مستضعفان و مظلومان، استقلال، عزت و شرافت‌طلبی، عدالت‌خواهی، صلح‌خواهی، آزادی‌خواهی، معنویت‌خواهی، آرمان‌خواهی و واقع‌بینی دنبال می‌شود.

واژگان کلیدی: حکمرانی، مقاومت، سیاست خارجی، روابط بین‌الملل

---

<sup>۱</sup> پژوهشگر ارشد روابط بین‌الملل و مدیر عامل جمعیت ندای صلح

sadatinejad@yahoo.com

<sup>۲</sup> پژوهشگر روابط بین‌الملل و عضو هیئت علمی جمعیت ندای صلح

ali.sadatinejad@yahoo.com

## مقدمه

آنچه در سه دهه اخیر به یکی از زیرساخت‌های اساسی و تعیین کننده تحولات خاورمیانه تبدیل شده، ایدئولوژی‌های مقاومت اسلامی بوده است که در پی انقلاب اسلامی از پراکندگی و در حاشیه بودن خارج و ابعادی فراگیر و حضور جدی در متن تحولات خاورمیانه پیدا نموده و به تبع آن دارای آثار بین‌المللی شد. با توجه به تحولات منطقه‌ای، می‌توان از حکمرانی مقاومت به مثابه یک مولفه قدرت نرم دولت‌ها و گروه‌های عضو جبهه مقاومت یاد کرد. (ناظمی اردکانی و خالدیان ۱۳۹۷)

مقاومت در اندیشه سیاسی اسلامی، عامل نجات‌بخش و یک هدف راهبردی تلقی می‌شود که خاستگاه آن اعتقادات و باورهای دینی مردم مسلمان است. حضور این عنصر در حیات سیاسی و اجتماعی مسلمانان، نقش برجسته‌ای در به وجود آوردن هویت دینی، فرهنگی و بومی مسلمانان داشته و در هر دوره‌ای که از آن غفلت شده، بیچارگی و ذلت را به دنبال داشته است. (ناظمی اردکانی و خالدیان ۱۳۹۷)

از سوی دیگر، دشمنان با دسیسه‌های مختلف به دنبال به چالش کشاندن مقاومت اسلامی در خاورمیانه هستند. در شرایط کنونی با پررنگ شدن بنیادگرایی سلفی و تکفیری در منطقه و یکسان انگاشته شدن بنیادگرایی با مقاومت اسلامی بیم آن می‌رود که توان و تجهیز قدرت‌های بزرگ و صاحب نفوذ در خاورمیانه و اتباع منطقه‌ای آنها زیر پرچم بنیادگرایی ستیزی و مبارزه با تروریسم علیه مقاومت اسلامی تقویت شده و به نحوی تخریبی علیه جبهه مقاومت به کار گرفته شود که تا حدودی نیز این اتفاق رخ داده است. (ناظمی اردکانی و خالدیان ۱۳۹۷)

پروژه‌های «اسلام هراسی»، «ایران هراسی» و «شیعه هراسی» بخشی از این رویکرد هستند. از اینرو شناسایی عناصر و مولفه‌های سیاست خارجی مقاومت اسلامی که در واقع، «حکمرانی مقاومت اسلامی» است، امری مهم است که هم مرزهای اصولی آن با بنیادگرایی را تعیین می‌کند و هم موجب تقویت گفتمان حکمرانی اسلامی می‌شود.

به عبارت دیگر، بدون شناسایی عناصر و مولفه‌های سیاست خارجی حکمرانی مقاومت میزان آسیب‌پذیری آن به دلیل التقاط و آمیزش ناخواسته با جریان بنیادگرایی افزایش خواهد یافت. بنابراین، این مقاله در پی شناخت عناصر و مولفه‌های سیاست خارجی است که حکمرانی مقاومت اسلامی بر پایه آنها شکل گرفته است و حضور خود را به عنوان یک حکمرانی متمایز از حکمرانی‌های رقیب متمایز می‌سازد. بدین‌سان، پرسش اصلی مقاله این است که عناصر و مولفه‌های سیاست خارجی حکمرانی مقاومت در خاورمیانه و سایر نقاط جهان کدام‌اند؟ پیش فرض این مقاله آن است که اعتقاد دینی و ایدئولوژی مبتنی بر دین مهمترین مولفه‌ای است که در ایجاد و استمرار حکمرانی مقاومت و سیاست خارجی آن، ایفای نقش می‌کند.

## سیاست خارجی حکمرانی مقاومت

مقاومت از ماده قوم و قیام گرفته شده و از آنجا که انسان هنگامی که می‌خواهد فعالیت پیگیری انجام دهد، قیام می‌کند و به کار می‌پردازد، از این نظر، «مقاومت» کنایه از حسن انجام امور و آمادگی برای فعالیت آمده است. (امامی ۱۳۷۸: ۶۱) همچنین «مقاومت» به معنای راستی و استقامت است، لذا به معنای پایدار و جاویدان، و هم به معنای قائم به امور دین و دنیا است، یعنی باید در هر حال و در هر کار و در هر عصر و زمان قیام به عدالت کنید، به گونه‌ای که این عمل، خلق و خوی شما شود و انحراف از آن بر خلاف طبع و روح شما گردد. (امامی ۱۳۷۸: ۴۴۸) همچنین مقاومت مفهومی معادل سرسختی، پایداری، حوصله، تحمل، خویش‌داری و یا مفهومی بر ضد بی‌تابی و جزع، دست‌پاچی، ضعف و ناتوانی روحیه دارد (مکارم شیرازی ۱۳۸۴، ج ۱: ۶۵) و به معنای ایستادگی در برابر حوادث و درگیری مداوم با مشکلات و فرار نکردن از مقابل آن است. (مکارم شیرازی ۱۳۸۴، ج ۱: ۵۹) بی‌شک سرچشمه مفاهیمی همچون مقاومت، ایمان به یک حقیقت و آگاهی کامل از آن و عشق و علاقه شدید نسبت به آن است، لذا کسانی که ایمانی ضعیف و اطلاعاتی ناچیز و علاقه‌ای مختصر نسبت به هدفی دارند، هرگز در راه آن صبر و استقامت به خرج نمی‌دهند و به سرعت از میدان حوادث بیرون می‌روند. (مکارم شیرازی ۱۳۸۴، ج ۱: ۵۹)

در این میان، درک آگاهانه از مذهب و دین، سرچشمه اصلی مقاومت و پایداری و ایستادگی است. (مکارم شیرازی ۱۳۵۳، ج ۱۵: ۱۶۶) اینگونه است که خدامحوری به آرامش می‌انجامد و هرگونه شک و تردید و وحشت را از انسان زائل می‌کند و او را در طوفان حوادث ثابت قدم می‌دارد. این آرامش جنبه عقیدتی دارد، و تزلزل اعتقاد را بر طرف می‌سازد و در عمل، ثبات قدم و مقاومت و شکیبایی به انسان می‌بخشد. (مکارم شیرازی ۱۳۵۳، ج ۴: ۴۷۱) البته منظور از یاد خدا تنها ذکر لفظی نیست، بلکه خدا را در درون جان حاضر دیدن است. این توجه به خدا، روحیه سرباز مجاهد را تقویت می‌کند و در پرتو آن احساس می‌نماید که در میدان مبارزه تنها نیست و تکیه‌گاه نیرومندی دارد که هیچ قدرتی در برابر آن مقاومت نمی‌کند و اگر هم کشته شود به بزرگترین سعادت، یعنی شهادت رسیده است. (مکارم شیرازی ۱۳۵۳، ج ۲: ۱۵۷)

فرهنگ معین، مقاومت را از نظر لغوی، ایستادگی و برابری کردن معرفی می‌کند و آن را از نظر اصطلاحی در مبادرت به نبرد تدافعی، وضعیتی می‌داند که فرماندهی آن را موضع مقاومتی معرفی کرده و بر اساس همین موضع مقاومتی با تمام قوای خود مبادرت به نبرد می‌کند. بنابراین معنای غالب مقاومت، ایستادگی و پایداری در برابر چیزیست که توازن را چه از بعد داخلی و چه خارجی برهم زده باشد. (معین ۱۳۸۹: ۴۲۸۶)

واژه مقاومت برگرفته از فعل ثلاثی مجرد قام، به معنای به پا خاستن و برخاستن و نیز پایدار ماندن است. این واژه بر وزن مفاعله و به معنای با کسی با هم برخاستن و یا باهم از جا بلند شدن و با کسی ضدیت کردن و نیز ایستادگی و پایداری کردن است. معنای غالب در واژه مقاومت، ایستادگی و مقاومت کردن در برابر چیزی است که توازن و تعادل را برهم زده، خواه این عامل درونی باشد مانند امیال نفسانی یا بیرونی مانند بیماری یا تجاوز و

اشغالگری. بنابراین مقاومت، یک وجه قتالی نیست، بلکه یک رویارویی فرهنگی، تبلیغاتی، تربیتی، اخلاقی و سلوکی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است. (میرقادری و کیانی ۱۳۹۱: ۷۰)

مقاومت از واژه‌های بنیادین و فطری است که ریشه قرآنی داشته و با مفاهیم و آیات اجتماعی قرآن ارتباط معناداری دارد. بر اساس دلالت‌های لغوی و تفسیری، مقاومت در قرآن بر توحید، عدالت و فطرت بنا شده است و بر تحقق اصل اقامه قسط، آبادانی زمین و عدم پذیرش سلطه تاکید دارد. (رضاداد ۱۴۰۰)

وقتی جامعه‌ای ندای توحید سر می‌دهد و در اندیشه عدالت گستری است، دشمنان حق و عدالت در برابر آن صف‌آرایی می‌کنند. علامه طباطبایی رضوان الله علیه در تفسیر آیات ۱۱۲ و ۱۱۳ سوره مبارکه انعام در خصوص ضرورت مقاومت آورده است، که در هر مکانی که نغمه توحیدی افراشته گردد و عدالت مطرح شود دشمن ایجاد خواهد شد و اصحاب جبهه باطل با یکدیگر همکاری می‌کنند. (رضاداد ۱۴۰۰)

پر واضح است که نبرد حق و باطل همیشگی بوده و منحصر به دوره زمانی خاصی از حیات بشری نیست. فلسفه مقاومت در قرآن حفظ و تعالی نظام خلقت و پایان بخشیدن به خواسته‌های باطل و نامحدود ستمگران و مستبدان عنوان شده است. آیه ۷۱ سوره مبارکه مومنون از جمله آیات قرآنی است که بر فلسفه مقاومت دلالت دارد. اگر در مقابل خواسته‌های ناحق جریان باطل مقاومت صورت نگیرد. این جریان می‌خواهد که حق تابع هوی و هوس آنها باشد نه آنکه آنها تابع حق باشند و چنانچه این اتفاق نیز رخ دهد نظام خلقت که بر مبنای حق است از هم فروپاشیده و آسمان‌ها و زمین رو به تباهی بگذارند و قوانین کلی که در عالم هست، همه نقض شود، چراکه هوی و هوس حد معینی نداشته و بر یک مستقری قرار نمی‌گیرد. (رضاداد ۱۴۰۰)

بلا شک نقطه آغاز جریان مقاومت را باید انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی دانست. با این وجود برخی از صاحب‌نظران، ریشه‌های این جریان را به عقب‌تر برده و به تلاش‌های سید جمال الدین اسدآبادی به عنوان بنیان‌گذار حرکت بیداری اسلامی در جهان اسلام باز می‌گردانند. (ناظمی اردکانی و خالدیان ۱۳۹۷)

محور مقاومت یک ائتلاف، مرکب از مجموعه بازیگران دولتی (ایران و سوریه) و گروه‌های غیردولتی (حزب‌الله لبنان، جبهه نجات ملی در یمن، حشد الشعبی عراق، حماس و جهاد اسلامی فلسطین، فاطمیون افغانستان، زینبیون پاکستان) و دولت‌هایی چون ونزوئلا و اوروگوئه است که منافع و ایدئولوژیی مشترکی در مقابله با نظام سلطه با محوریت آمریکا دارند. این جبهه تاکنون توانسته است از پیشبرد تمامی اهداف آمریکا و اسرائیل از لبنان، سوریه، یمن، عراق و تا حدودی در فلسطین جلوگیری کند و بخش زیادی از توطئه‌های آنها را برای تصاحب این کشورها خنثی کند. (تهجا ۱۳۹۹)

در واقع آنچه محور مقاومت خوانده می‌شود انعکاس هویت برآمده از انقلاب اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا و در برخی دیگر از نقاط جهان است. محور مقاومت اعتقاد دارد که اگر جهان در قرن‌های متمادی عرصه غلبه سلطه‌گران بوده است، دیگر این به حاشیه رفتگان هستند که با تکیه بر آرمان‌های مقاومت از حاشیه به متن آمده‌اند و مدعی رهبری امور و داشتن حق تعیین سرنوشت خویش هستند.

حکمرانی مقاومت روایتی است که حکمرانی مسلط غربی را به چالش می‌کشند. مهمترین ویژگی این حکمرانی به دست دادن روایتی نو و در تعارض با سکولاریسم از رابطه سیاست با مذهب است. در عین حال باید توجه داشت که این مدل حکمرانی در معنایی وسیع‌تر، روسیه، چین، ونزوئلا، کوبا و اوروگوئه را نیز در بر می‌گیرد که لزوماً با بخش اسلامی مقاومت در منطقه غرب آسیا از منظر پیوستگی دین و سیاست یکسان نیستند ولی در به چالش کشیدن نظام سلطه با هم مشترک بوده و اشتراک نظر دارند.

به عبارتی حکمرانی مقاومت، دو مفهوم عام و خاص را دربر دارد. در مفهوم عام، شامل هر نوع مقاومتی است که بر اساس آموزه‌ها و احکام آزادی باشد می‌گردد، اما حکمرانی در مفهوم خاص مقاومت کشورها، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد بر اساس اسلام در برابر نظام سلطه و متحدان آن که به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و همسو با این انقلاب، در سطح منطقه و با محوریت مسئله فلسطین و مقاومت در برابر تجاوزات اسرائیل تبلور یافت. در سال‌های بعد نیز مقاومت در برابر تجاوزات آمریکا و متحدان آن نیز بر آن افزوده شد. (اسلام تایمز ۱۳۹۶)

هر کشور، سازمان، گروه و یا فردی که مطابق آموزه‌های دین و همسو با انقلاب اسلامی ایران در برابر نظام سلطه و متحدان آن به ویژه رژیم صهیونیستی مقابله می‌نماید در محور مقاومت اسلامی قرار دارد. جمهوری اسلامی ایران، حزب‌الله لبنان، گروه‌های مقاومت در فلسطین، انصارالله در یمن، مردم عراق، سوریه و بحرین، از شناخته شده‌ترین دنباله‌روهای مدل حکمرانی مقاومت در منطقه می‌باشند. (میرهادی ۱۴۰۰)

## **مولفه‌های سیاست خارجی حکمرانی مقاومت**

### **الف – اصول سلبی**

#### **نفی سلطه و استکبار**

از اصول مهم و ویژگی‌های اساسی گفتمان مقاومت، نفی و طرد کامل هرگونه سلطه و ستمگری و ستم‌پذیری است. بی‌تردید نام محور مقاومت با نفی سلطه و مقابله با امپریالیسم آمریکا و اسرائیل درهم آمیخته است. نفی نظام سلطه منعکس کننده ارزش‌ها و مبانی سیاسی حکمرانی مقاومت است و استمرار استکبارستیزی را در جوهره مقاومت و اهداف آن نشان می‌دهد.

محور مقاومت معتقد است که سلطه‌گری همچون سلطه‌پذیری مذموم و ممنوع است. بنابراین مبارزه با نظام سلطه به ویژه مخالفت با سیاست‌های آمریکا بخش قابل توجهی از سیاست‌های محور مقاومت را تشکیل می‌دهد. گروه‌های عضو جبهه مقاومت ضمن رد نظام سلطه غربی و مقاومت در برابر اهداف زیاده‌خواهانه آن از هیچ تلاشی برای براندازی این نظام دریغ نمی‌کنند. تشکیل محور مقاومت سیاست سلطه‌جویی و به تبع آن جریان سلطه را با مانع بزرگی روبرو کرده‌است.

دومین وجه بارز جریان مقاومت، مبارزه با اسرائيل است. باتشكيل اسرائيل در سال ۱۹۴۸ با حمايت انگليس و آمريكا، ضربه سنگيني بر بعد هويتي و وحدت جهان اسلام وارد شد. جريان مقاومت، اسرائيل را ايالت پنجاه و يكم آمريكا و تداوم نظام سلطه سرمايه‌داري در منطقه مي‌بيند، لذا بخشي از ضربه به آمريكا از طريق ضربه به متحد منطقه‌اي آن پي گرفته مي‌شود.

آنچه به عنوان دال مركزي سياست خارجي حكمراني مقاومت همواره، انگشت تاكيد اين ائتلاف را بر خود داشته مبارزه با اسرائيل و حمايت از آرمان فلسطين در منطقه است. در همين رابطه محور مقاومت موجوديت خود را بيش از هر چيز مديون مقابله با اسرائيل و تلاش در جهت اخراج آن به عنوان اشغالگر از سرزمين‌هاي اشغالي مي‌داند. در واقع مبارزه با اسرائيل با اعتقادات ديني محور مقاومت پيوند خورده است و همواره اسرائيل را به عنوان دشمن بلامنازع خود مي‌دانند. هر كدام از اعضاي محور مقاومت كه مورد حمله اسرائيل قرار گيرد، ساير اعضاي جبهه مقاومت به شكلي كاملاً صريح و مستقيم به حمايت از مقاومت وارد عمل مي‌شوند و نمونه‌هاي بارز آن رادر جنگ ۳۳ روزه اسرائيل عليه حزب الله و جنگ ۲۲ روزه عليه جنبش حماس و حمايت‌هاي مقاومت از دولت بشار اسد شاهد هستيم كه همگي در راستاي تضعيف اسرائيل از جانب محور مقاومت صورت گرفته است.

عدم پذيرش تسلط قدرت‌هاي سلطه‌گر و عدم تعهد نسبت به آنان از ويژگي‌هاي گفتمان مقاومت مي‌باشد ولي كافي نيست. بنابر اين تنها وظيفه در روابط همكاري، معاهدات و قراردادهاي خود با كشورهاي ديگر، اين نيست كه راه هرگونه سلطه و نفوذ آنان را ببندند، بلكه فراتر از آن مكلف به مبارزه با استكبار، نظام سلطه، ظلم و بي‌عدالتي است.

شايد بتوان فلسفه وجودي حكمراني مقاومت را مقابله با گفتمان سلطه تعريف كرد. در واقع اين گفتمان زماني قوام يافت كه در مقابل خود نظام و گفتماني به نام سلطه را يافت كه فارغ از هرگونه چارچوب اخلاقي عليه ملت‌ها ظلم مي‌كند. گفتمان مقاومت پاسخي به اين ظلم و جور بود. از آنجا كه اين گفتمان بر اسلام‌خواهي، آزادي‌خواهي، استقلال‌طلبي، صلح‌طلبي و... تاكيد مي‌كند، كاملاً مشخص است كه با هرگونه استكبار و استبدادي مخالف است.

مهمترين موضوعي كه از گفتمان مقاومت آغاز شد تبين گفتمان استكبارستيزي در بين ملت‌هاي مظلوم جهان بود. ملت‌هايي كه تا قبل از آن ياراي ايستادگي در برابر استكبار را نداشتند امروزه تا حدودي بدون هراس از اين موضوع، سخن مي‌گويند و در برخي ملت‌ها مشاهده مي‌شود كه با شجاعت در برابر مستكبر مي‌ايستند و بر سر ظالمان فرياد مي‌كشند چرا كه مقاومت اسلامي گفتمان ظلم‌ستيزي را نه در حرف بلكه در عمل به منصه ظهور رسانيد و بر اساس آن توانست هيمنه نظامي تا اقتصادي و سياسي دشمنان اسلام را در هم شكند.

بايد گفت گفتمان مقاومت معادلات جهاني را به نفع مظلومان رقم زد. استكبارستيزي شعاري است كه امروز از جاي جاي دنيا به گوش مي‌رسد. صدائي كه از فلسطين تا يمن، سوريه و عراق و حتي كشورهاي آفريقياتي بر سر ظالمان فرود مي‌آيد، نشان مي‌دهد كه گفتمان مقاومت توانسته تاحدودي، اطلاق معادلات جهاني را در به نفع

سلطه‌گران بودن بر هم بزند و قدرت‌های استعماری و استکباری را از چرخه تصمیم‌گیری صرف برای ملت‌های جهان خارج کند.

آرمان استکبارستیزی گفتمان مقاومت با وجود انبوه تبلیغات منفی رسانه‌ها غربی، جای خود را در میان برخی از ملت‌های مسلمان و حتی غیرمسلمان، به خوبی باز کرد. روشنگری گفتمان مقاومت باعث شد تا بخشی از ملت‌ها، به ویژه غرب آسیا، برای مقابله با استکبار آمریکا روحیه و انگیزه پیدا کنند. بدین ترتیب هسته‌های مقاومت در فلسطین، لبنان، عراق، یمن، بحرین و برخی دیگر از کشورها شکل گرفت و نخبگان و جوانان پرشور به مقابله با سلطه‌گری و چپاول آمریکا و متحد پلیدش، رژیم صهیونیستی پرداختند. (خبرگزاری دفاع مقدس ۱۳۹۹)

در فلسطین گروه‌هایی چون حماس و جهاد اسلامی به وجود آمدند که مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی و مبارزه با آن را تنها راه آزادی سرزمین خود می‌دانند. تجربه ناکام سازمان آزادی‌بخش فلسطین در سازش با این رژیم اشغالگر نشان داد که صهیونیست‌ها به هیچ وجه به تعهدات خود پایبند نیستند و تنها به اشغال کامل فلسطین و قدس می‌اندیشند. لذا مردم فلسطین تاکنون چندین انتفاضه علیه تجاوزات رژیم صهیونیستی برپا کرده و گروه‌های مقاومت اسلامی نیز راه مقابله با این رژیم متجاوز را در پیش گرفته‌اند. (خبرگزاری دفاع مقدس ۱۳۹۹)

حزب‌الله لبنان که این روزها به کابوسی برای رژیم صهیونیستی و مانعی برای پیشبرد سیاست‌های توسعه‌طلبانه آمریکا در منطقه تبدیل شده است، در سال ۱۹۸۱ با الهام از تفکرات ظلم‌ستیزانه تشکیل شد و با مقاومت و مبارزه‌ای طولانی توانست ارتش مجهز رژیم صهیونیستی را در سال ۲۰۰۰ از لبنان اخراج کند. در جنگ موسوم به ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ نیز نظامیان صهیونیست، شکست سنگین دیگری را از حزب‌الله لبنان متحمل شدند. اکنون حزب‌الله لبنان که تحت حمایت‌های مادی و معنوی محور مقاومت قرار دارد به الگویی برای دیگر ملت‌های تحت ستم و آزادی‌خواه منطقه تبدیل شده و در تحولات لبنان و حتی خارج از آن نقش برجسته‌ای دارد. مشارکت رزمندگان حزب‌الله در جنگ با تروریست‌های تکفیری تحت حمایت آمریکا و عربستان در سوریه از جمله نقش‌آفرینی‌های این عضو موثر جبهه مقاومت اسلامی است. (خبرگزاری دفاع مقدس ۱۳۹۹)

در عراق نیز اشخاص و گروه‌هایی تحت تاثیر آرمان استکبارستیزی گفتمان مقاومت به مبارزه با استبداد و استعمار برخاستند. یکی از مهمترین این شخصیت‌ها، سید محمدباقر صدر و خواهرش بنت‌الهدی بودند که به دلیل مخالفت‌ها با دیکتاتوری صدام در عراق، به شهادت رسیدند. خاندان حکیم و مجلس اعلای اسلامی عراق نیز با همین رویکرد به مبارزه با رژیم صدام پرداختند و شهدای بسیاری تقدیم آزادی عراق کردند. هم اکنون نیز افراد و گروه‌های الهام گرفته از اندیشه آنان، نقش مهمی در این کشور ایفا می‌کنند. برخی دیگر از گروه‌های عراقی چون حشد الشعبی نیز از تجربیات گروه‌های مقاومت در منطقه در مبارزه با استکبار و تروریسم بهره گرفته‌اند. (خبرگزاری دفاع مقدس ۱۳۹۹)

**نفی توسعه‌طلبی و تجاوزگری**

توسعه‌طلبی، سلطه‌گری و ... از مهمترین خصوصیات و ویژگی‌های جبهه استکبار جهانی است. مستکبران و سلطه‌گران جهانی جهت نیل به اهداف، سیاست‌ها و ... خود و در واقع جهت ارضای خوی شیطانی و ددمنشانه خود، همواره در پی سلطه‌گری و افزایش مناطق تحت سلطه و سیطره خود بوده‌اند و در این مسیر از هیچ اقدام خلاف قانون، خلاف انسانیت و ... علیه جوامع هدف، فروگذار نکرده‌اند. در همین راستا، مقاومت و ایستادگی در برابر خواسته‌ها، اهداف و ... دشمنان از ضرورت‌ها و بایسته‌های گفتمان مقاومت است.

اسلام در نحوه استقلال و تمامیت ارضی و جلوگیری از نفوذ دشمنان، بر اصل راهبردی مقاومت تاکید کرده است، لذا با در نظر گرفتن اوضاع و احوال موجود، مقررات و احکامی از طرف حکومت اسلامی در نظر گرفته شده است و از راهی که به حفظ مقاصد اسلام کمک کند اقدام شده است. بر این اساس جهاد یا به تعبیر دیگر دفاع از تمامیت کشورهای اسلامی در برابر هجوم بیگانگان، از وظایف حکومت‌هاست. (مکارم شیرازی ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۰۳) این مساله مهم وقتی رنگ و بوی حقیقت به خود می‌گیرد که بدانیم در عصر و زمان کنونی جنگ‌ها صورت بسیار پیچیده‌تری به خود گرفته و نیاز به تشکیلات بسیار وسیعی دارد اعم از آموزش و تعلیم و تهیه سلاح‌های پیچیده و تکیه بر اطلاعات گسترده از وضع دشمن و برنامه‌ها و نقشه‌های او و تهیه هزینه‌های سنگین در راستای حمایت از مقاومت اسلامی، انکار ناپذیر است و به همین دلیل، همه جا حکومت‌ها را عهده‌دار آن می‌بینیم. (مکارم شیرازی ۱۳۸۵، ج ۱: ۵۳۹)

از اینرو مقاومت به معنای ایستادگی، استقامت و پایداری همه جانبه (اعم از سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ...) در تمام ابعاد و سطوح (ملی، منطقه‌ای و بین‌الملل) در برابر مستکبران، زیاده‌خواهان و سلطه‌گران (دشمنان و یاری‌گران دشمنان) جهت ممانعت (پیشگیری) از تحقق و عملیاتی کردن اهداف، سیاست‌ها و ... آنان و در وهله بعد رویارویی (مقابله) با آنان است.

باید به این نکته توجه داشت که حکمرانی مقاومت نه تنها در سیاست خارجی خود با هر گونه توسعه‌طلبی، زیاده‌طلبی و تجاوزگری قدرت‌های استکباری و سلطه‌گر مخالفت و مقاومت می‌کند بلکه خود نیز در سیاست خارجی خود به هیچ عنوان چنین روش‌ها و رویکردهایی را در پی نمی‌گیرد و آن را مذموم می‌داند. بنابراین، نظام مبتنی بر مدل حکمرانی مقاومت همواره به دنبال برقراری رابطه برابر، دوستانه و صمیمی و مبتنی بر احترام متقابل با دیگر کشورها است و هیچگاه از روش‌های استکباری برای زیاده‌خواهی و تجاوز و یا توسعه‌طلبی نسبت به کشورها و ملت‌های محروم و یا ضعیف‌تر از خود اقدام نمی‌کند. بلکه سیاست خارجی حکمرانی مقاومت به دنبال توسعه همسان برای همه کشورها است و در تلاش است تا صلح و عدالت را در سرتاسر جهان مستقر نماید.

## نفی تفرقه و اختلاف

تفرقه و اختلاف عامل جنگ، نزاع، ناامنی و درگیری است و بر عکس آن، اتحاد به عنوان مهمترین راهبرد برای جامعه‌پذیری و امت‌سازی همیشه مورد اهتمام و توجه سیاست خارجی مدل حکمرانی مقاومت بوده است. برای



ساخت و ایجاد امتی یگانه و واحد، با ویژگی‌های جامعه نمونه و برتر نیاز به تغییر در بینش و نگرش در همه جهان و در جهان اسلام است. جهان اسلام در حال حاضر در حساس‌ترین مراحل تاریخ زندگانی خود قرار گرفته و در شرایط کنونی همبستگی کامل دشمنان اسلام برای مقابله با اسلام و مسلمانان در هر سوی جهان مشاهده می‌شود. جهان اسلام با توجه به اهرم‌های قوی اقتصادی و موقعیت خاص جغرافیایی و سابقه غنی فرهنگی، به خوبی قادر به ایفای نقش مهم در جهان آینده خواهد بود و در صورتی که آنان متحد شوند، کشورهای مسلمان به عنوان یک محور قوی و موثر در شرایط نوین بین‌المللی مطرح خواهند شد.

سیاست خارجی حکمرانی مقاومت در جامعه جهانی و جهان اسلام، راهبرد نفی تفرقه و وحدت را به عنوان یکی از اصول خود از ابتدا مطرح نمود. لازم به ذکر است که پیوستگی و اتحاد دولت‌ها و ملت‌های اسلامی باعث ایجاد یک قدرت بزرگ خواهد شد و این قدرت بزرگ در جهت حفظ صلح جهانی و کرامت انسان‌ها خواهد بود. همچنین به تقویت روابط اقتصادی بین کشورهای مسلمان، مبارزه با رژیم غاصب صهیونیستی و رفع تهدیدات نظام سلطه علیه کشورهای مسلمان منجر خواهد شد. (کوشکباغی ۱۳۹۶)

با این وجود، دشمن با علم به این راهبرد، همواره تلاش کرده است تا با ابزار و سیاست‌های مختلف، مانع شکل‌گیری این سیاست در میان جهان اسلام شود و با راه‌اندازی سیاست ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی و تقویت و بسیج گفتمان‌های بدیل مانند جریان تکفیری و سلفی و رو در رو قرار دادن آنها با جریان مقاومت، موجب تقویت تشتت و اختلاف و تفرقه در جهان اسلام شود.

در این میان، دشمنان جهان اسلام، با برقراری روابط خاص با برخی از دولت‌های اسلامی که خاستگاه جریان‌های تکفیری و سلفی هستند و برآمده از خاست واقعی ملت‌های مسلمان نیستند، سعی کرده‌اند این دولت‌ها را به تبلیغ اختلاف‌افکنی و معارضة با جبهه مقاومت تشویق نمایند و کار را بدانجا برسانند که این دولت‌ها ائتلاف با آمریکا و رژیم صهیونیستی را بر ائتلاف با کشورهای اسلامی و جبهه مقاومت ترجیح دهند و مسیر اشتباه و پر هزینه‌ای را برای جهان اسلام در پیش گیرند.

در این میان قدرت‌های بزرگ نیز از انواع وسایل تبلیغاتی و دیپلماتیک برای ایجاد هراس از مدل حکمرانی مقاومت و تخریب آن استفاده کرده‌اند و تا حدودی نیز در افزایش اختلاف و تفرقه در میان کشورهای اسلامی موفق شده‌اند ولی استقامت و پایداری جبهه مقاومت بدون شک نتیجه خواهد داد و گذر زمان نشان خواهد داد که جبهه مقاومت و مدل حکمرانی آن جز خیر و صلاح برای همه کشورهای اسلامی و تقویت عزت جهان اسلام و تک تک کشورهای اسلامی را دنبال نمی‌کند و تبلیغات منفی دشمنان علیه این مدل حکمرانی و هراس‌افکنی از آن تنها برای ممانعت از وحدت جهان اسلام و پیش برد اهداف شوم این کشورها است.

**نفی سکولاریسم**

یکی از مهمترین ویژگی‌های سیاست خارجی حکمرانی مقاومت لزوم پیوستگی دین و سیاست است. حکمرانی مقاومت پیوند دین و دنیا و ساری و جاری بودن دین در متن جامعه و سیاست را دنبال می‌کند و سیاست‌های آن مبتنی بر پیوستگی دین و سیاست است و لذا اصول مورد نظر غرب و ارزش‌های لیبرال غربی را نه تنها قبول ندارد بلکه به دنبال مقابله با آنها است. هدف نهایی مقاومت، استقرار حاکمیت خداوند به جای حاکمیت جاهلیت و طاغوت و استقرار صلح و عدالت در جهان و ترویج ارزش‌های مبتنی بر دین و معرفت الهی و سعادت انسان در دنیا و آخرت است.

باید گفت توأمان بودن دین و سیاست، ستون فقرات و رکن اساسی حکمرانی مقاومت را شکل می‌دهد، به این معنا که قانون مبتنی بر دین و مشارکت و نقش‌آفرینی مردم در حکومت با محوریت رهبری دینی از ارکان و مولفه‌های حکمرانی مقاومت است که این گفتمان را از دیگر گفتمان‌ها جدا و متمایز می‌کند.

گفتمان مقاومت با تاکید بر تلفیق دین و سیاست موجب احیای نقش دین در عرصه بین‌الملل شده است. این گفتمان با بازگشت دین و ارزش‌های دینی به روابط بین‌الملل، جریان‌های ضد دینی و یا غیر دینی فعال در روابط بین‌الملل را در نظریه و عمل به چالش کشیده است. از اینرو، غربی‌ها با محوریت آمریکا از ابتدای شکل‌گیری گفتمان مقاومت، همواره به مواجهه و مقابله با مقاومت و ارزش‌های آن پرداخته‌اند.

از اینرو یکی از عمده‌ترین محورهای تبلیغاتی استعمارگران در سده‌های اخیر طرح «جدایی دین از سیاست» بوده است. آنها با تبلیغات دروغین تحجر، عقب مانده بودن، کهنه و قدیمی بودن دین و اتهام واپسگرایی و جهل به دین مبین اسلام سعی بر خارج نمودن دین از حیطه سیاست نموده‌اند.

با تحولات دوران رنسانس و نوزایی در اروپا و استقرار مدل جدید حکمرانی مبتنی بر سکولاریسم، از عمده‌ترین عوامل رواج تفکر جدایی دین از سیاست در میان مسلمانان، دشمنان اسلام و مروجان تفکر سلطه در جهان بوده‌اند که از قدیم الایام این تفکر را در میان مسلمین ترویج نموده‌اند و اینگونه وانمود کرده‌اند که دین اسلام مانند سایر ادیان الهی جز یکسری دستورات اخلاقی و معنوی چیز دیگری نیست که به موجب آن مسلمانان صرفاً به مسائل اخلاقی، اخروی و معنوی بپردازند و سایر امور دنیوی به خصوص سیاست را رها نمایند تا از این طریق بتوانند خود را حفظ کرده و بر ایمان و تقوای خود بیفزایند و بدین سبب خود را در دنیا و آخرت سربلند نگه دارند. (پرتال امام خمینی ۱۳۹۶)

گفتمان مقاومت در واقع، احیای موثر و موکد تعهدات دینی است. این گفتمان پهنه جغرافیایی گسترده‌ای را دربر گرفته و کلیه کشورهای اسلامی از شمال آفریقا تا جنوب شرق آسیا را تحت تاثیر قرار می‌دهد. گفتمان مقاومت هر روز طرفداران بیشتری در مناطق مختلف، به ویژه در برخی از مناطق آفریقا پیدا کرده است. این حرکت در جوامع رو به رشد مسلمان در اروپا و در آمریکای شمالی نیز نمود داشته است. (امیدی ۱۳۸۷: ۱۳)

در واقع مبنای سیاست خارجی حکمرانی مقاومت بر اساس احکام و آموزه‌های اسلامی و نهادینه‌سازی و فرهنگ‌سازی دین و آموزه‌های اسلامی است. از سوی دیگر، احکام اسلامی برای تامین سعادت هر دو محیط دنیوی و

اخروی هستند. این حقیقت در آیات و روایات و نیز دلایلی که حکمای اسلامی برای لزوم بعثت انبیا ذکر کرده‌اند، آمده است. در نتیجه می‌توان گفت حکمرانی مقاومت و سیاست خارجی آن وظیفه تامین سعادت دنیوی و اخروی افراد همه جوامع را بر اساس آموزه‌های اسلامی و در چارچوب آن به عهده دارد، زیرا علاوه بر اقتضای تاسیس حکومت اسلامی، در متن دین، برای حکومت اسلامی وظایفی در این زمینه تعیین شده است.

## **ب- اصول ایجابی**

### **حمایت از مستضعفان و مظلومان**

از دیگر اصول سیاست خارجی حکمرانی مقاومت حمایت از مستضعفان و مظلومان است. از اینرو یکی از اهداف حکومت و حکمرانی مقاومت، رسیدگی به حقوق محرومان و دفاع از مظلومان در هر جایی از جهان است. بنابراین، مفهوم حکومت و حکمرانی مقاومت، هیچگاه مقارن با تسلط و خودکامگی نیست بلکه این مفهوم، معنای مدیریت، امانت داری، خدمتگزاری و مهرورزی، هدایت و پاسداری از حقوق و آزادی‌های همه جوامع بویژه جوامع اسلامی و مردم مظلوم و ستمدیده‌ای است که حقوق آنها نقض شده است.

در شرائط فعلی، مسئولیت جامعه بین‌المللی در حمایت از حقوق اساسی بشر به یکی از موضوعات جدی حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل و حتی سازمان‌های بین‌الملل به ویژه سازمان ملل تبدیل شده است. حکمرانی مقاومت نیز بر همین اساس و با تاکید بر کرامت انسانی، موضوع حمایت از مظلوم را سرلوحه برنامه خود قرار داده است.

انسان و جامعه مظلوم و ستمدیده، موظف به مقاومت و ایستادگی در برابر ظالم و فریاد زدن و کمک خواستن از برادران دینی است و از سوی دیگر، مومنان که فریاد و استغاثه برادران دینی و ستمدیده خود را می‌شنوند، مسئول هستند به ندای آنان جواب مثبت داده و به یاری آنان بشتابند، زیرا مقاومت در برابر ظلم و ستمگری و جلوگیری از رخنه و نفوذ آن و به دنبال آن حمایت از مظلوم، در لایه‌های اجتماع، بر هر کسی که قدرت و توانایی آن را داشته باشد یک واجب عقلی، شرعی و انسانی است. وجوب این مقاومت و یاری‌رسانی به مظلوم، به ویژه مسلمانان، از آن جهت است که طبق نص صریح قرآن، نباید به هیچ وجه اجازه داد که کافران در هیچ جنبه و شانی بر مسلمانان تسلط پیدا کنند و این به خاطر اهمیت حفظ عزت امت اسلامی است. (خبرگزاری بین‌المللی قرآن ۱۳۹۹)

به هر حال وظیفه هر مظلومی این است که اگر به تنهایی قادر بر دفع ظلم و ستم نیست سکوت نکند و با استفاده از نیروی کمکی دیگران به مقابله با ظلم قیام نماید و وظیفه همه مسلمانان است که به ندای او پاسخ مثبت دهند. لذا اگر از همین زاویه به مسئله فلسطین و مبارزه با اشغالگری و جنایت صهیونیست‌ها نگریسته شود، در سیاست خارجی جبهه مقاومت دیگر نمی‌توان سخن از سازش و گفت‌وگو با رژیم کرد که مجموعه عظیمی از

جنايات، كشتارها و تجاوزگرى‌ها را در حق مسلمانان فلسطينى، سوري، لبنانى و حتى ديگر ملت‌هاى مسلمان انجام داده است. بر اين مبنا دفاع از آرمان قدس و فلسطين هم به لحاظ دينى و هم به لحاظ عقل و وجدان بشرى وجوب و ضرورت پيدا مى‌كند. (خبرگزاري بين‌المللى قرآن ۱۳۹۹)

## استقلال، عزت و شرافت طلبى

مقاومت، ايستادگى و دفاع، عزت و سربلندى مسلمين را تجلى مى‌كند و سبب مى‌شود كه مثلاً بيست نفر چنان قدرتمند شوند و احساس قدرت كنند كه بتوانند در برابر دويست نفر ايستادگى كنند. حاكمرانى مقاومت همواره با رد هرگونه وابستگى به بيگانگان، بر استقلال طلبى تأكيد داشته است. در واقع عنصر استقلال طلبى، به اين گفتمان در بين جنبش‌ها و مكتب‌هاى سياسى جاىگاه ويژه‌اى بخشيده است. (كوشكباغى ۱۳۹۶)

ماهيت مستقل و ضد امپرياليستى سياست خارجى حاكمرانى مقاومت و تلاش آن براى ايجاد نظام بين‌الملل فارغ از سلطه قدرت‌هاى استكبارى، موجب به هم زدن تعادل بلوك‌هاى قدرت جهان و به چالش كشيدن نظم بين‌المللى ساخته دنياى شرق و غرب گرديد و موجب جنبش‌ها و حركت‌هاى مختلف استقلال طلبى در جهان اسلام شد.

عزت ملى، روابط خارجى، مرزبندى با دشمن اين هر سه، شاخه‌هاى از اصل «عزت، حكمت، و مصلحت» در روابط بين‌المللى‌اند. صحنه‌ى جهانى، امروز شاهد پديده‌هاى است كه تحقق يافته يا در آستانه ظهورند. تحركات جديد نهضت بيدارى اسلامى بر اساس (سياست خارجى) الگوى مقاومت در برابر سلطه‌ى آمريكا و صهيونيسم، شكست سياست‌هاى آمريكا در منطقه‌ى غرب آسيا و زمين‌گير شدن هم پيمانان خائن آنها در منطقه، گسترش حضور قدرتمندانه كشورهاي جبهه مقاومت در غرب آسيا و بازتاب وسيع آن در سراسر جهان سلطه از جمله اين پيامدهاى استقلال طلبى و عزت طلبى در سياست خارجى مدل حاكمرانى مقاومت مى‌باشد. (سايت پرسمان ۱۳۹۸)

بر اين اساس، مستقل بودن كشور بر اساس مدل حاكمرانى مقاومت، به معناى قطع رابطه با ساير كشورها نبوده بلكه به معناى استقلال كشور در عرصه سياست خارجى بر اساس منافع ملى و ارزش‌ها و اصول اسلامى و عدم تعهد به قدرت‌هاى بزرگ و قرار نگرفتن به عنوان زير مجموعه و همسو با سياست‌ها و اهداف آنهاست. زيرا اساساً در دنياى امروز و با توجه نياز به ارتباط با ساير كشورها، استقلال به معناى قطع رابطه با ساير كشورها به طور كلى امكان پذير نيست و ضرورت‌ها و نيازهاى اقتصادى، فرهنگى، سياسى و ... ايجاب مى‌كند كه كشورها با يكدیگر رابطه و تعامل داشته باشند.

در اين ميان، بر اساس مدل حاكمرانى مقاومت رابطه با ساير كشورها بر اساس احترام متقابل و حفظ عزت و كرامت جامعه اسلامى تنظيم شده است. زيرا بر اساس آموزه‌هاى دينى نظام اسلامى مى‌تواند با همه كشورهايى كه در صدد مقابله و مبارزه با آن نبوده و به اصطلاح فقهى محارب محسوب نمى‌شوند، بر اساس احترام متقابل رابطه

مسالمت‌آمیز داشته باشد. حتی با دولت محارب نیز در صورتی که اصل عزت، حکمت و مصلحت اقتضا کند امکان تعامل و استفاده از ابزار دیپلماسی وجود دارد. (سایت پرسمان ۱۳۹۸)

در دوران اخیر، مذاکرات برجام با کشورهای اروپایی و آمریکا و رسیدن به توافقی در موضوع هسته‌ای، نشان داد که می‌توان حتی با دولت محارب و مستکبر نیز بر اساس اصول عزت‌طلبی و شرافت‌طلبی مذاکره و توافق نمود. هر چند که دولت عهد شکن آمریکا، بعداً به صورت یکجانبه از این توافق خارج گردید ولی این مسئله چیزی از ارزش استقلال‌طلبی، عزت‌طلبی و شرافت جمهوری اسلامی ایران به عنوان مادر جبهه مقاومت و مدل حکمرانی مقاومت نمی‌کاهد.

مسئله استقلال سیاسی یک کشور در مقابل بیگانگان، تنها یک مسئله اسلامی صرف نیست تا از احکام اسلامی به حساب آید و لازم باشد آن را روی ادله دینی به اثبات برسانیم بلکه یک حق اساسی و اولیه جوامع است که دیگران بر سرنوشت او حاکم نباشند و هر ملتی بتواند بدون دخالت بیگانگان، بر مقدرات کشور خود حکومت کند. حق تعیین سرنوشت یکی از حقوق شناخته شده بشری است و در مکانیسم حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز در اسناد و قطعنامه‌های مختلف بارها بر آن تاکید شده است. این اصل در منشور سازمان ملل متحد و در حقوق بین‌الملل نیز به رسمیت شناخته شده است.

استقلال‌خواهی و مستقلانه زندگی کردن، خواسته و نیاز فطری و طبیعی هر انسانی است. انسان‌ها صرف نظر از بسیاری از تفاوت‌ها در حیطه اندیشه و عمل، مشترکات بسیاری با یکدیگر دارند و در بسیاری از ویژگی‌ها و نیازمندی‌ها، دقیقاً مساوی با همدیگر هستند. استقلال‌طلبی یک خواست انسانی است و ربطی به جوامع دینی و غیر دینی هم ندارد. صد البته که دین و به خصوص ادیان آسمانی و الهی، تاکید بیشتری بدین جهت از ویژگی انسان‌ها دارد. (خبرگزاری آوا ۱۳۹۱)

در سیاست خارجی حکمرانی مقاومت، عدم استقلال و وابستگی، با عزت و مناعت انسان مسلمان، سازگاری ندارد. اسلام به پیروانش اجازه نمی‌دهد تا زیر بار سلطه و اراده مسلمان دیگری برود تا چه رسد به آنکه اجازه دهد تا مسلمانان زیر چتر اراده و اختیار غیر مسلمانان و کفار بروند. امروزه در بسیاری از کشورهای اسلامی به خصوص کشورهای عرب، دولت و نظام‌هایی روی کار آمده است که علاوه بر اختلاف‌افکنی میان مسلمانان، رابطه نوکری و اربابی را با قدرت‌های بیگانه منطقه و جهان برقرار کرده‌اند.

امروزه به وسیله همین دولتمردان خود باخته مسلمان، پای سلطه و توسعه‌طلبی دولت‌های بلوک غرب به دهلیز مشترک کشورهای منطقه باز شده است. خیزش‌های خودجوش مردمی اخیر در کشورهای اسلامی، روشن‌ترین دلیل، بر خودباختگی دولتمردان عربی در منطقه است. ملت‌های مسلمان در منطقه، با خیزش‌ها و قیام‌های شجاعانه و استقلال‌طلبانه علیه دولت‌های وابسته، فطری و ذاتی بودن حس استقلال‌طلبی در نهاد هر انسانی را ثابت کردند. (خبرگزاری آوا ۱۳۹۱)

## عدالت‌خواهی

عدالت همه‌جانبه و فراگیر از دیگر اصول حاکم بر سیاست خارجی حکمرانی مقاومت است و جامعه آرمانی منطبق با این گفتمان، جامعه مبتنی بر عدالت است و عدالت به معنای بازگرداندن حقوق صاحبان حق به آنهاست. از این منظر، حکمرانی مقاومت حکمرانی است که در آن احکام و قوانین متمرکز بر عدالت است.

عدالت از محوری‌ترین آموزه‌هایی است که در ذات دین اسلام وجود دارد و عامل هویت‌بخشی به دین و دینداری است که به دلایل متعدد تاریخی، مانند جهل و فقر، ناآگاهی، وابستگی، دوری از معنویت و اخلاق، حاکمیت ظلم، روحیه ظلم‌پذیری، توزیع نابرابر قدرت و ثروت و جایگاه اجتماعی به فراموشی سپرده شده بود. از اینرو، به جرات می‌توان گفت یکی از درخشان‌ترین دستاوردهای حکمرانی مقاومت، احیای گفتمانی عدالت و تحول در مفهوم آن است. در این گفتمان، عدالت به لحاظ ارزشی به مثابه فضیلتی آرمانی و غایتی مقدس تعریف شد و با ملاحظه روشی در همه عرصه‌های گوناگون فرهنگ، قضاوت، سیاست و اقتصاد مورد توجه قرار گرفته است. به رغم اینکه در افق شکل‌گیری مقاومت اسلامی، اهداف گوناگون مادی و معنوی، از جمله مبارزه با ستم، فقر، استبداد و استعمار وجود داشت، برجسته‌سازی آرمان عدالت‌خواهی یکی از ویژگی‌های حکمرانی مقاومت است که به مثابه یکی از ارکان اصلی مقاومت، به خواست عمومی تبدیل شده است. (مهاجرنیا ۱۳۹۵)

بدون مقاومت در برابر دشمنان مومنان، پیاده کردن عدالت به جایی نمی‌رسند و در راه تحقق عدالت باید مقاومت اسلامی را سرلوحه عمل قرار داد، زیرا حق مقاومت، ناشی از اصل عدالت است. انتخاب اصل عدالت به عنوان یک اصل از اصول دین، رمزی است به احیای عدل در جوامع بشری و مبارزه با هر گونه ظلم و ستم.

## صلح‌خواهی

سیاست خارجی حکمرانی مقاومت ضمن تاکید بر ایستادگی در برابر استکبار و نظام سلطه همواره خود را به عنوان یک گفتمان صلح‌طلب معرفی کرده است. یعنی بیشترین تمرکز این گفتمان در برابر پدیده‌های بین‌المللی تاکید بر صلح‌طلبی و دوری از جنگ و خشونت است. (کوشکباغی ۱۳۹۶)

بی‌تردید، مسالمت‌جویی و صلح‌طلبی در گفتمان مقاومت را باید معلول ایدئولوژی و آموزه‌های اسلامی دانست زیرا دین مبین اسلام، پیروان خود را به صلح‌جویی و پرهیز از تجاوزگری فرمان می‌دهد. بنابراین در روابط انسانی و بین‌المللی همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح، اصالت دارد و جنگ یک استثناست که در شرایط خاص ضرورت می‌یابد. این ویژگی از خصوصیات مسلم گفتمان مقاومت است. (زنجانی ۱۳۴۶)

در سیاست خارجی حکمرانی مقاومت، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز به عنوان اساسی‌ترین اصل در مناسبات بین‌المللی منظور گردیده است. این به خاطر آن است که اسلام مبنا را بر صلح‌خواهی گذارده است. لذا نوع نگرش مقاومت به صلح و ثبات، با نگرش‌های رایج در عرف سیاسی و روابط بین‌الملل، تفاوت‌های آشکاری دارد. البته

از نظر مقاومت، برپایی صلح واقعی در جهان، در صورت وجود زورگویان و سلطه‌گران امکان‌پذیر نخواهد بود، چرا که در اندیشه و فکر آنها عنصری به نام عدالت وجود ندارد و آنها همواره به دنبال سیاست‌های سرمایه‌داری خود بوده‌اند و همه صلح‌هایی که تا به حال از طرف قدرت‌های بزرگ و استعمارگر شکل گرفته است بیشتر در جهت تامین منافع آنها و نیز از بین بردن و نابودی حقوق مظلومان بوده است و توجهی به عدالت و اخلاق نشده است.

باید گفت حکمرانی مقاومت یک تمدن منزوی و بدون تعامل با جهان نیست، بلکه می‌خواهد آینده‌ای بهتر برای تمام جهانیان بسازد. این جهان بهتر، در اولین گام نیازمند امنیت و ایجاد فضای مناسب برای شکوفایی استعدادهای خدادادی انسان است که در سایه صلح و عدالت تحقق می‌یابد. بنابراین ایجاد یک صلح عادلانه در منطقه و جهان، یکی از مهمترین ارکان حرکت جهان شمول حکمرانی مقاومت است.

حکمرانی مقاومت و قابلیت‌های امت اسلامی در کنار تبیین گفتمان صلح عادلانه با بهره‌گیری از گفتمان دیپلماتیک تاثیرگذار، بهترین و سریع‌ترین راه تحقق اهداف متعالی اسلام است و آخر این مسیر نوید بخش صلح و عدالت برای جهان اسلام و همه انسان‌های حق طلب خواهد بود.

## آزادی‌خواهی

در سیاست خارجی گفتمان مقاومت، آزادی بیشتر مورد تاکید قرار گرفته و یکی از اهداف سیاست خارجی حکمرانی مقاومت، آزادی مردم از اسارت بت‌ها و طاغوت و خرافات شمرده شده است. در جهان معاصر نیز واژه آزادی بیشتر بر سر زبان‌ها افتاده و هر نظام و حاکمی رفتار خود را در سطح ملی و فراملی، آزادی و آزادی‌خواهی نام نهاده و از آزادی توده‌ها دم می‌زند. اما در حکمرانی مقاومت، این آزادی‌خواهی به معنای واقعی آن مطرح است و همراه با ریاکاری، نفاق و استاندارد دوگانه نیست.

با توجه به جامعیت اسلام و تکیه بر اصل توحید و گسترش عدالت و آزادی در جامعه، در حکمرانی مقاومت، آزادی برای افراد محترم شمرده شده است. منتهی به لحاظ طبیعت زندگی اجتماعی، آزادی مطلق در هیچ نظام اجتماعی امکان‌پذیر نیست، از اینرو آزادی‌ها باید در حدود قانون و مسئولیت‌ها باشد. از اینرو تفاوت حکمرانی مقاومت با دیگر حکمرانی‌ها در این است که طبق آموزه‌های اسلام انسان را از هرگونه قید و اسارت معنوی و اجتماعی آزاد نموده و ضمن رعایت سعادت در زندگی بشری به رعایت احکام الهی نیز ملزم می‌کند. (اکبری مالستان ۱۳۹۷)

## معنویت‌خواهی

در حکمرانی مقاومت، وظیفه محوری (تکلیف‌گرایی) و معنویت‌خواهی از اصول مورد توجه در سیاست خارجی است. از این دیدگاه مبارزه، مشارکت سیاسی، اقدامات انقلابی با نگاه تکلیف‌گرایانه دنبال می‌شود. بر این

اساس، انجام تکلیف الهی، طلب رضایت خدا و دفاع از ارزش‌های دینی برخی از واژگانی هستند که در چارچوب اصل تکلیف‌گرایی و معنویت‌خواهی در گفتمان مقاومت اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرند. (فرزندی ۱۳۹۹)

باید گفت تنها راه برای حاکمیت ارزش‌های انسانی در جوامع بشری تبعیت از احکام نورانی اسلام است، چرا که این مکتب با دیدی همه‌جانبه به انسان، و با جهت دادن به مجموع اعمال و رفتار او مادیات را در پناه معنویات تعدیل ساخته و به آن رنگی الهی می‌بخشد.

روند تحولات فکری و اجتماعی دو قرن اخیر به گونه‌ای بود که این تصور شکل گرفت که، ارزش‌ها و اصول دینی و معنوی نقش تعیین کننده‌ای در صحنه‌های سیاسی، فرهنگی و طبعا بین‌المللی نخواهد داشت. به این ترتیب معیارها و مبانی مادی و دنیاگرایی اساس تمامی تجزیه و تحلیل‌های فردی و اجتماعی، داخلی و خارجی قرار گرفت. حاکمیت و فراگیری نظریه‌های ماده‌گرایانه، به اندازه‌ای بود که دوران دین و معنویت را پایان یافته و صحبت از عصر «پایان تاریخ» بر مبنای ایدئولوژی لیبرال دموکراسی نمود.

حکمرانی مقاومت به عنوان پیامی فراگیر و وحدت‌بخش در جهان اسلام توانست ضمن ایجاد روحیه اعتماد به نفس و خودباوری و ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم، به مسلمانان عزت بخشد و نشان دهد که می‌توان با توجه به جایگاه مباحث معنوی، ارزشی و اعتقادی در جوامع اسلامی و با تکیه بر روحیه ایثار و مبارزه در میان امت اسلام به بسط ایدئولوژیک نه شرقی و نه غربی و گسترش ارزش‌های اسلامی مبادرت ورزید. حکمرانی مقاومت در گفتمان سیاست خارجی خود، ارزش‌های اخلاقی و معنویت‌گرایی را مجدداً در جهان مطرح کرد. (خرمشاد ۱۳۹۲)

با توجه به واقعیت‌های جهان می‌توان گفت که ابعاد معنوی، الهی و وحیانی حکمرانی مقاومت تحولات فکری عمیقی را در سطح داخلی و بین‌المللی به وجود آورد، به طوری که مطالعه پیرامون مذهب و نقش آن در صحنه‌های سیاسی و بین‌المللی و در جنبه‌های آکادمیک و دانشگاهی، علیرغم دو قرن تلاش برای منزوی و مطرود کردن مذهب مطرح شده است.

## آرمان‌خواهی و واقع‌بینی

جمع کردن ارزش‌ها و واقعیت‌ها در ظاهر امر شاید چالش برانگیز باشد. ارزش‌ها (به عنوان آرمان‌ها) و واقعیت‌ها دو بال پرواز از منافع ملی در گستره سیاسی هر کشور بوده است. راهبرد سیاست خارجی حکمرانی مقاومت را می‌توان آرمان‌گرایی واقع‌نگر دانست. جلوه آرمان‌گرایی آن در قالب پایبندی به اصول و ارزش‌های کلان در سیاست خارجی و پرهیز از تن دادن به تلاش‌های ادغام‌گرایانه در نظام جهانی ظاهر می‌شود و بعد واقع‌بینانه آن در قالب اتخاذ مجموعه‌ای از تاکتیک‌های هوشمندانه با توجه به واقعیت‌های موجود داخلی و بین‌المللی معنا پیدا می‌کند. (خدادادی ۱۳۹۳)

عنوان آرمان‌خواهی در اینجا آگاهانه و به جای آرمان‌گرایی بکار رفته است. آرمان‌خواهی به این معنا که انسان در عین اینکه در چارچوب واقعیت زندگی می‌کند، آرمان‌ها و اهداف والای خود را به فراموشی نمی‌سپارد و



تلاش می‌کند تا آن اهداف را در مسیر واقعیت، دنبال کند. اگرچه راه سختی است و واقعیت‌ها محدودیت‌هایی را برای او ایجاد می‌کنند. شاید جمع کردن آرمان‌گرایی با واقع‌گرایی مشکل باشد ولی جمع کردن آرمان‌خواهی با واقع‌بینی ممکن است، منظور این است که انسان‌ها آرمان‌های خود را در مسیر واقعیت و دیدن واقعیت‌ها پی بگیرند. اندیشه حکمرانی مقاومت، آرمان‌خواهی را در کنار واقع‌بینی توصیه می‌کند. با نگاه به زندگی و سنت نبوی و ائمه اطهار (ع) متوجه می‌شویم که این بزرگواران ضمن اینکه اهداف و آرمان‌های والایی داشتند، این اهداف و آرمان‌ها آنها را از واقعیت‌ها دور نمی‌کرد و تلاش می‌کردند تا با ملاحظه واقعیت‌ها به اهداف و آرمان‌هایشان دست پیدا کنند.

## نتیجه‌گیری

حکمرانی مقاومت محدود و محصور به مرز و یا موضوع خاصی نیست. هر کجا ظالمی درصدد استیلا و استثمار مردم به ویژه مسلمانان باشد مقاومت شکل خواهد گرفت. مقاومت به معنای ایستادگی، دفاع، تسلیم خواسته طرف مقابل نشدن و تلاش در جهت تحقق بخشی به اراده خویشتن است. در این میان مقاومت اسلامی مفهوم جدیدی است که در ادبیات سیاسی به کار گرفته شده و از ایستادگی در برابر ظلم، تجاوز، دین‌ستیزی و اشغالگری نظام سلطه و استکبار و متحدان آن که مطابق آموزه‌ها و احکام اسلامی از آن یاد می‌شود.

در این میان، در این مقاله، اصول سیاست خارجی حکمرانی مدل مقاومت مورد بررسی قرار گرفت و اصول آن مورد شناسایی قرار گرفت. در این مقاله، اصول در دو قالب ایجابی و سلبی دسته‌بندی گردید. از جمله عناصر سلبی سیاست خارجی گفتمان مقاومت به نفی سلطه و استکبار، نفی توسعه‌طلبی و تجاوزگری، نفی تفرقه و اختلاف و نفی سکولاریسم در روابط بین‌الملل اشاره شد و در بعد ایجابی نیز حمایت از مستضعفان و مظلومان، استقلال، عزت و شرافت‌طلبی، عدالت‌خواهی، صلح‌خواهی، آزادی‌خواهی، معنویت‌خواهی، آرمان‌خواهی و واقع‌بینی شناسایی گردید.

شکل‌گیری مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا، برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و متأثر از اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) معمار‌کبیر انقلاب بوده است. امام خمینی محور مقاومت را بر مخالفت با استکبار جهانی و صهیونیسم و با تأکید بر اتحاد مسلمین در برابر محور سازش و تسلیم قرار داد. این مفهوم توسط مقام معظم رهبری نیز بسط و توسعه یافته است. ایشان نیز وجود حکومت‌های وابسته به نظام سلطه و آمریکا و هم‌پیمانی با رژیم صهیونیستی و بی‌توجهی به مسئله قدس شریف و فلسطین را از عوامل شکل‌گیری محور مقاومت یاد کردند. در واقع با وقوع انقلاب اسلامی و تشکیل تفکر انقلاب اسلامی حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخش و اسلامی از زیر یوغ سلطه‌گران استکبار و رژیم صهیونیستی در محوریت سیاست خارجی مقاومت قرار گرفت.

حضرت امام خمینی به عنوان معمار مدل حکمرانی مقاومت در یکی از سخنرانی‌های خود در مورد سیاست خارجی حکمرانی مقاومت می‌فرماید «من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای

هویت اسلامی مسلمان‌ها در جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمان‌های جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌خواهی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد ... ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان، با تمام وجود تلاش کنیم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم ... باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، زیرا بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد»

در این راستا انقلاب اسلامی ایران در تولد و تحرک سیاسی بسیاری از جنبش‌های اسلامی سیاسی نقش داشته است. چنین تأثیری با مروری بر پرونده سیاسی جنبش‌های اسلامی دهه‌های اخیر به روشنی دیده می‌شود. همه این گروه‌ها در دفاع از انقلاب اسلامی ایران، پیروی از رهبری آن و نیز الگو قرار دادن آن، اتفاق نظر دارند. جنبش‌های اسلامی و آزادی‌خواهی، پس از انقلاب اسلامی ایران، شهادت و ایثار در راه خدا را به عنوان اصول اساسی حرکت خود پذیرفته‌اند.

بنابر این مشخص گردید که حکمرانی مقاومت دارای الگوی سیاست خارجی منحصر به خود بوده و در طول ۴ دهه گذشته موفق شده است این الگو را در جمهوری اسلامی ایران به پیش ببرد و با الگو گرفتن از این مدل حکمرانی، در منطقه غرب آسیا نیز یک جبهه‌ای از مدل حکمرانی مقاومت در عراق، سوریه، لبنان و یمن شکل گرفته است و در برخی از بخش‌های منطقه غرب آسیا در بحرین، عربستان، افغانستان، پاکستان، کشمیر و کشورهای دیگر این منطقه و همچنین در خارج از این منطقه در آفریقا در نیجریه و مناطق دیگر شکل گرفته است که می‌تواند منشا آثار خوبی در جهت پیشبرد مدل حکمرانی مقاومت در جهان باشد. بر این اساس، در جوامع غیر اسلامی نیز یک اشتراک نظری در برخی حوزه‌ها مانند مقاومت در برابر نظام سلطه با مدل حکمرانی مقاومت در جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده که کشورهایی چون ونزوئلا و نیکاراگوئه و حتی تا حدودی چین و روسیه را نیز در بر می‌گیرد. مدل حکمرانی مقاومت و سیاست خارجی آن در صورت موفقیت کامل، خواهد توانست تا یک الگوی جدید حکمرانی و سیاست خارجی را در پیش روی همه جهانیان به نمایش بگذارد.

## منابع

- [۱]. امامی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، لغات در تفسیر نمونه، قم، امام علی بن ابی طالب (ع).
- [۲]. اکبری مالستان (۱۳۹۷)، حدود آزادی در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی، ۲۰ شهریور ۱۳۹۷، قابل دسترس در سایت پرتال امام خمینی به آدرس: <https://b2n.ir/q25885>.
- [۳]. اسلام تایمز (۱۳۹۶)، محور مقاومت اسلامی، ابعاد و مولفه‌ها، ۲۹ بهمن ۱۳۹۶، قابل دسترس در سایت اسلام تایمز به آدرس: <https://b2n.ir/f65096>.
- [۴]. امیدی، مهدی (۱۳۸۷)، چالش‌های سکولاریستی و حیطة عمل حکومت اسلامی، مجله معرفت، سال ۱۷، شماره ۱۲۴.
- [۵]. پرتال امام خمینی (۱۳۹۶)، نظر امام خمینی در مورد جدایی دین از سیاست چیست؟، ۱۷ دی ۱۳۹۶، قابل دسترس در سایت پرتال امام خمینی به آدرس: <https://b2n.ir/z67027>.
- [۶]. تهجا، فرزانه (۱۳۹۹)، نقش محوری سردار سلیمانی در تشکیل جبهه مقاومت/ اخراج آمریکایی‌ها از منطقه ثمره خون سردار سلیمانی، ۱۰ دی ۱۳۹۹، قابل دسترس در سایت خبرگزاری شبستان به آدرس: <http://shabestan.ir/detail/News/1009646>.
- [۷]. خمینی (ره)، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه نور، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [۸]. خدادادی، حسن (۱۳۹۳)، آرمان‌خواهی از منظر امام خامنه‌ای، ۱۳ بهمن ۱۳۹۳، قابل دسترس در سایت بصیرت به آدرس: <https://b2n.ir/f08248>.
- [۹]. خبرگزاری آوا (۱۳۹۱)، وابستگی یا استقلال، کدام زبینه کشورهای اسلامی است؟، سه شنبه ۲۹ حوت ۱۳۹۱، قابل دسترس در سایت خبرگزاری آوا به آدرس: <https://b2n.ir/m71052>.
- [۱۰]. خبرگزاری دفاع مقدس (۱۳۹۹)، استکبارستیزی انقلاب اسلامی الگوی جبهه مقاومت است، ۲۲ شهریور ۱۳۹۹، قابل دسترس در سایت خبرگزاری دفاع مقدس به آدرس: <https://dnws.ir/414784>.
- [۱۱]. خرمشاد، محمد باقر (۱۳۹۲)، انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی، راهبرد فرهنگ، شماره ۲۳.
- [۱۲]. خبرگزاری بین‌المللی قرآن (۱۳۹۹)، مقاومت مظلوم و یاری‌رسانی مومنان، دو اصل قرآنی در مواجهه با ستمگران، ۲ خرداد ۱۳۹۹، قابل دسترس در سایت خبرگزاری بین‌المللی قرآن به آدرس: <https://b2n.ir/f16433>.
- [۱۳]. رضاداد، درویش (۱۴۰۰)، مقاومت و محور مقاومت، موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

- [۱۴]. زنجانی، عمید (۱۳۴۶)، اسلام و حقوق بین‌الملل، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- [۱۵]. سایت پرسمان (۱۳۹۸)، استقلال طلبی ایران؟، ۲۶ فروردین ۱۳۹۸، قابل دسترس در سایت پرسمان به آدرس: <https://b2n.ir/y44673>.
- [۱۶]. فرزندی، عباسعلی (۱۳۹۹)، گفتمان انقلاب اسلامی منطبق بر آموزه‌های اسلام ناب، ۱۳ بهمن ۱۳۹۹، قابل دسترس در سایت به آدرس: <https://sndu.ac.ir/maktab/fa/news/2626>.
- [۱۷]. کوشکباغی، اسماعیل (۱۳۹۶)، عناصر و ویژگی‌های اصلی فرهنگ و گفتمان مقاومت چیست؟، ۲۱ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترس در سایت خبرگزاری صدا و سیما به آدرس: <https://www.iribnews.ir/007NhP>.
- [۱۸]. میرقادر، سید فضل‌الله، کیانی، حسین (۱۳۹۱)، بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن، فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۱.
- [۱۹]. میرهادی، محمد (۱۴۰۰)، محور مقاومت اسلامی، ابعاد و مولفه‌ها، ۲۰ خرداد ۱۴۰۰، قابل دسترس در سایت به آدرس: [yun.ir/um55jd](http://yun.ir/um55jd).
- [۲۰]. مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۵)، نقش انقلاب اسلامی در ارتقای عدالت بر اساس آموزه‌های اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۷۶، مجله علوم سیاسی، دانشگاه امام باقر (ع)، زمستان ۱۳۹۵.
- [۲۱]. معین، محمد (۱۳۸۹)، لغت‌نامه، جلد ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- [۲۲]. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴)، پیدایش مذاهب، جلد ۱، قم، امام علی بن ابی طالب (ع).
- [۲۳]. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، جلد ۲، ۴، ۱۵، طهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۲۴]. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، پاسخ به پرسش‌های مذهبی، جلد ۱، قم، امام علی بن ابی طالب (ع).
- [۲۵]. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵)، دائرة المعارف فقه مقارن، جلد ۱، قم، امام علی بن ابی طالب (ع).
- [۲۶]. ناظمی اردکانی، مهدی، خالدیان، صفرعلی (۱۳۹۷)، مولفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام، مجله مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۷.